

باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

* چندی قبل رادیوی رژیم ایران ادعا کرد که خبرنگار مؤسسه مزبور با رانول کاسترو مصاحبه‌ای انجام داده است و ضمن اعلام این خبر ، مصاحبه‌ای را بزبان اسپانیایی بخش کرد که طی آن از اقدامات شاه و « مستقل و ملی بودن » سیاست او صحبت شده بود .

بطوریکه کسب خبر دقیق و قطعی شده است ، این مصاحبه سراسر جعلی بوده است و رانول کاسترو که از شیادان رژیم ایران در این مورد مطلع شده است ، اقدام رژیم باینکار را دلیل دیگری بر توطئه های امپریالیسم و دست نشانده گانش مانند شاه در فریب خلقها می‌شمارد .

شهادت انقلابیون رزمنده خلق

در زندانهای رژیم فاشیستی شاه



رفیق شهید عزیز سرمدی



رفیق شهید مشعوف کلانتری



رفیق شهید عباس سوری



رفیق شهید بیژن جزینی

گروهی بود که در سال ۴۵ در گروه جزینی ادغام شده بود . آقایان توسط سورکی با هسته مرکزی ارتباط داشت . ناصر آقایان که خود را به پلیس فروخته بود توانسته بود سورکی ، شهزاد ، و زاهدیان را شناسائی کند . باین ترتیب پلیس موفق میشود جزینی و سورکی را ضمن تماس بازداشت کند . ولی سیستم ارتباطات گروه و شتابزدگی پلیس که از شروع مبارزه مسلحانه و ترور شاه نگران شده بود ، باعث شد که نتوانند اعضا بیشتری را شناسائی کنند . جزینی و سورکی حدود یکماه مقاومت کردند ، ولی در پایان این مدت دکتر شهزاد که زیر نظر بود بازداشت شد و با اندکی شکنجه ، اطلاعات خود را در اختیار پلیس قرار داد و از این طریق عده بیشتری از گروه لو رفتند . دستگیر شدگان موقعیتی بشرح زیر داشتند : از کادر مرکزی جمعا ۹ نفر باسامی : بیژن جزینی ، حسن ضیاء ظریفی ، عباس سورکی ، مشعوف کلانتری ، عزیز سرمدی ، احمد افشار ، محمد چوپانزاده ، کیانزاد ، زاز زاهدیان بازداشت شدند و از کادرهای شبکه علنی ، فرخ نگهدار ، مجید احسن و مهندس قاسم رشیدی دستگیر شدند . در ضمن کوروش ایزدی که از اعضای قدیمی گروه بود و در سال ۴۲ از فعالیت کناره گیری کرده بود و حشمت‌اله شهزاد که قبلا از گروه اخراج شده بود نیز بازداشت شدند .

رفقا ، محمد صفاری آشتیانی و علی اکبر صفائی فرامانی که شناخته شده بودند از ایران خارج شدند و بانقلاب فلسطین پیوستند . در ضمن چند نام مستعار بدست پلیس افتاد که صاحبان آنها شناخته نشدند . مؤسسين گروه از اعضا سابق سازمان جوانان حزب توده بودند که از سال ۳۴ بعد فعالیت مستقل از حزب توده داشتند .

بقیه در صفحه ۲

نویس مسلحانه ایران داشته است . نه تنها اولین گروهی بود که به ضرورت مبارزه مسلحانه پی برده و برای شروع آن تدارک دیده بود ، بلکه از نظر ایمان و آگاهی انقلابی ، انضباط سازمانی و شیوه‌های سازماندهی ، نمونه یک گروه برجسته مارکسیست - لنینیست بود . این گروه طی سالهای قبل از ۱۳۲۹ مخفیانه تشکیل شده بود و در فعالیتهای عمومی جبهه ملی طی سالهای ۳۹ تا ۴۲ شرکت فعال داشتند . در پایان سال ۱۳۴۱ با توجه بموقعیتی که بوجود آمده بود ، این گروه تجدید سازمان یافت و برای تدارک مبارزه مسلحانه اقدام نمود . از سال ۴۲ تا ۴۶ از نظر تشکیلاتی و سازماندهی دارای شبکه‌های مجزا از هم بود که هر شبکه در سطح معینی کار میکرد و وظایف مخصوصی داشت . یک شبکه بفعالیهای علنی و نیمه علنی مشغول بود و در جریانهای سیاسی و مبارزات اقتصادی عمومی شرکت داشت و افراد نسبتا زیادی را متشکل کرده بود . اعضای این شبکه اساسا طی سالهای ۳۹ تا ۴۲ بمبارزه روی آورده بودند و فعالیتهای عناصر چپ درون جبهه ملی را در مبارزات دانشجویی و کارگری تقویت میکردند . اعضای این شبکه نقش سمپاتی‌زانه‌های پیشرفته گروه را داشتند . شبکه دیگری از اعضای آماده‌تر وجود داشت که نقش نیروی ذخیره و آماده را برای گروه داشتند که مولود فعالیتهای سیاسی مخفی گروه بود . شبکه اصلی از اعضای آماده با وظایف سیاسی - نظامی تشکیل شده بود که دارای تیمهای شهر و کوه بود . عده ای از اعضای آن حرقه ای فعالیت میکردند . این شبکه ، هسته مرکزی و موتور گروه بود و فعالیتهای در بخش دیگر را زیر نظر و کنترل داشت . نحوه لو رفتن گروه :

ناصر آقایان در شبکه سیاسی گروه سرشاخه بودند و سابقه طولانی فعالیت در حزب توده داشت . او جزء

رژیم فاشیستی شاه که از ادامه مبارزه سازمانهای رزمنده و مقاومت سرسختانه اسیران انقلابی و نا رضایتی مردم بستوه آمده بود ، برای رهائی از درماندگی سیاسی اش درصدد ایجاد یک حزب فاشیستی برآمد . همزمان با این خیمه‌شب بازی ، درخیمان رژیم بدستور مستقیم شاه به اسیران انقلابی حمله‌ور شدند و ۹ نفر از مبارزین سرسخت و دلیر خلق را بقتل رساندند . هفت نفر از این انقلابیون باسامی رفقا : بیژن جزینی ، حسن ضیاء ظریفی ، عباس سورکی ، مشعوف کلانتری ، عزیز سرمدی ، احمد افشار ، محمد چوپانزاده از یک گروه انقلابی بودند که در سال ۱۳۴۶ دستگیر و در سال ۱۳۴۷ محاکمه شده بودند . این گروه بنام « گروه جزینی ، شهسرت یافته بود . دو نفر دیگر از شهدای انقلابی باسامی : کاظم دوالانوار و خوشدل از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند که قریب سه سال قبل دستگیر و محاکمه شده بودند . این انقلابیون در زندانهای شاه نیز سرسخت و پیگیر انه و با روحیه‌ای مبارزه جویانه و سرشار از شور انقلابی فعالیت داشتند . رژیم شاه این مبارزین و عده کثیر دیگری را طبق برنامه‌های همزمان با تبلیغات فاشیستی خود ، بزیور شکنجه برد تا بخیال خود مقاومت زندانیان انقلابی را درهم بشکند و محیط رعب و ترور را در زندانها حکمفرما سازد .

قتل این انقلابیون بدست شاه جلال ، ناشی از قدرت رژیم او نیست ، بلکه ناشی از تثبیت مبارزه مسلحانه ، گسترش جنبش‌های اعتراضی زحمتکشان ، انزجار و نفرت مردم از رژیم ، مقاومت و مبارزه انقلابیون در اسارت و عمق و ریشه‌دار شدن جنبش انقلابی در ایران میباشد که رژیم را بطرز جنون آمیزی متوحش ساخته است . گروه جزینی ، نقش ارزنده در پایه گذاری جنبش

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پمپرایم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

بقیه شهادت انفلابیون رزمنده ...

از نظر ایدئولوژیک به مارکسیسم - لنینیسم اعتقاد داشتند و در مورد اختلاف چین و شوروی معتقد به مشی مستقلی از این قطبها بودند . مشی مسلحانه و انقلاب توده‌ای ، استراتژی عمومی گروه بود . در ابتدا بمبارزه چریکی در کوه و جنگل توجه اساسی میشد و شهر فقط نقش کمکی داشت . هدف مرحله ای مبارزه مسلحانه را ایجاد جو مناسب درجهت مشی مسلحانه و تثبیت مبارزه مسلحانه می دانستند در مرحله بعدی می‌بایست واحدهای چریک در مناطق روستائی بتوانند از پشتیبانی دهقانان برخوردار شوند . و نیروهای شهری باین واحدها کمک برسانند و در شهر اعتراضهای توده ای برضد رژیم برگزار و سازماندهی کنند .

ولی پس از اجرای « اصلاحات ارضی » توسط رژیم و باتوجه بتجارب انقلابی امریکای لاتین ، اقدام همزمان جنگ چریکی در شهر و در کوه مورد نظر گروه قرار گرفت و به شهر بهای بیشتری از گذشته داده شد . تعلیمات نظامی بصورت منطقه شناسی ، اسلحه شناسی ، تیراندازی ، ساختن مواد منفجره ، تعقیب و شناسائی ، کاراته ، کوهنوردی در شبکه سیاسی - نظامی فراگرفته میشد . قبل از دستگیری گروه ، مقادیری سلاح ، اتومبیل خانه های امن ، و دیگر لوازم مورد نیاز چریکی را فراهم کرده بودند . و منطقه وسیعی را در جنگلها و کوههای شمال شناسائی کرده بودند . همچنین برای پوشش کار انقلابی و تامین مخارج انقلابی ، مؤسسه ای بنام تبلیغ فیلم ایجاد کرده بودند .

گروه ، چون از مشی مستقلی در برابر اختلاف چین و شوروی پیروی میکرد ، و از آنجائیکه در برابر حزب توده تاکتیک خاص داشت ، جناحهای مختلف « توده‌ای » و « ضد توده‌ای » از آنان ناراضی بودند . ولی مبارزه و پیگیری گروه در برابر رژیم ، مانع از حملات رسمی این جناحها نمیکردید .

سیاست گروه در مقابل حزب توده این بود که آنرا یک حزب پیشاهنگ طبقه کارگر برسمیت نمسی شناخت و اشتباهات و انحرافهای حزب تسوده و رهبری آن در جریان مبارزه سیاسی‌اش مورد انتقاد قرار میگرفت ، معذالک این شناخت باین معنی نبود که بجای رها کردن مبارزه علیه دشمن اصلی مبارزه با رهبری حزب توده ، برنامه عمده کار گروه قرار گیرد . بنظر گروه مبارزه با حزب توده و رهبری فرصت طلب آن می بایستی در جریان مبارزه علیه دشمن انجام شده و در جریان رشد مبارزه درونی جنبش ترقیخواهانه قرار گیرد . قسمت اول این سیاست مورد اعتراض و ناراضائی رهبری حزب توده بود ، قسمت دوم آن موجب ناراضائی گروهها و جریانهای « ضد توده‌ای » بود . همچنین مشی مستقل این گروه موجب ناراضائی طرفداران مشی چین و موجب مخالفت طرفداران مشی شوروی میشد .

در دادگاه نیز گروه از درگیری ایدئولوژیک نسبت به چین و شوروی و حزب توده ، آگاهانه اجتناب کرد و فقط با اعتراض برضد دیکتاتوری رژیم و تشریح موقعیت اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ایران و اعتراض به پایمال شدن حقوق انسانی و علیه شکنجه و آزار ساواک پرداخت و بکار افشاگری اکتفا کرد .

پس از ضربه ای که باین گروه در سال ۱۳۴۶ وارد شد ، گروه از اعضاء لونیترفته خود تجدید سازمان یافت و با منحل کردن شبکه های اول و دوم بکار خود ادامه داد . صفائی فرامانی و صفاری اشتیاقی به فلسطین رفته و پس از کسب تجربه در سال ۴۹ به ایران بازگشتند و به گروه پیوستند و در رهبری و فرماندهی گروه شرکت کردند . این گروه در سال ۴۹ قبل از رستاخیز سیاهکل و اعدام انقلابی فرسیو ، با گروه احمد زاده - پویان که از نظر ایدئولوژیک و خطمشی مسلحانه هم عقیده بودند ، وحدت کردند و سازمان چریکهای فدائی خلق را بوجود آوردند .

ادامه مبارزه در اسارت : همانطور که اشاره شد ، اعضاء این گروه بدنبال تظاهرات وسیع مردم در بهمن ۴۶ که بمناسبت جهلم شهادت تختی در تهران برگزار شده بود ، دستگیر شدند . سازمان امنیت شاه پس از شکنجه دستگیرشدگان آنان را تحویل دادگاه نظامی داد و باتهام

« توطئه علیه امنیت کشور » و « داشتن مراسم اشتراکی » برای هشت نفر تقاضای اعدام کرد . ولی در اشتر فعالیتهای دانشجویان ایرانی در خارج از کشور برهبری کنفدراسیون ، و فشار افکار عمومی بر رژیم شاه ، ادعای نامه دادستان مبنی بر احکام اعدام حذف شد ، و رژیم مجبور گردید که حضور ناظرین خارجی و شرکت بعضی از خویشاوندان متهمین را در جلسات دادگاه بپذیرد . دادگاه تجدید نظر که در بهمن ۴۷ تشکیل شده بود ، این رفق را به حبسهای از یک تا ۱۵ سال محکوم کرد .

پس از جنبش انقلابی سیاهکل و اعدام فرسیو ، رژیم که بشدت از نظر سیاسی ضربه خورده بود و کیسج و «بهوت و در منتهای ناتوانی با بحران سیاسی روبرو شده بود ، نقشه قتل دو نفر از این انقلابیون اسیر ، یعنی رفقا بیژن جزئی و ضیا ظریفی را طرح ریزی کرد و جلادان رژیم برای ارتکاب چنین جنایتی بهانه ای درست کرده بودند که این رفقا « از درون زندان با انقلابیون مسلح رابطه داشته و عملیات خارج را رهبری میکنند » . در آن موقع رژیم بار دیگر برای این رفقای محکوم برزندگان ، تقاضای اعدام کرده بود ، که مقاصد دشمن در اثر فعالیت کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در سطح جهانی افشاء و خنثی گردید . این رفقا بعلت برخورداری از روحیه مبارزه جویانه و باقدت سازماندهی و برخورد انقلابی خود در زندان ، در مدت کمی آنچنان تحولی در زندان بوجود آورده بودند که زندانیان را از حالت خمودگی و پراکنگی در آورده بودند و زندگی « کمونی » را در زندانها سازمان داده بودند . روش متحدی برای مقابله با نیروهای دشمن حکمفرما ساخته بودند و روشهای خاصی برای مطالعه و ایجاد صمیمیت و تربیت‌کادر متداول ساخته بودند . برای بزرگداشت روزهای انقلابی، ملی و برای تجلیل از شهدای انقلابی مراسم خاصی در زندانها اجرا میکردند .

این اسلوب کار و مقاومت رفقا ، نگرانی و خشم جلادان رژیم را برانگیخته بود ، ولی دشمن دربرابر اراده انقلابی و اتحاد عمل زندانیان باوجود اذیت و آزار و شکنجه های مکرر نمیتوانست کاری از پیش ببرد . گاهی جلادان دشمن رفقائی مثل بیژن جزئی و ... را به سقف اتاق اویزان میکردند و مورد اهانت قرار میدادند تا قدرت مقاومت آنها و سایر رفقا را درهم بشکنند . ولی این رفقا با روحیه سرشار از شور انقلابی و کینه و نفرت بدشمن ، برفقای کم‌تجربه و جوانتر درس مقاومت و مبارزه در اسارت میدادند .

بطور خلاصه : رژیم فاشیستی شاه که خود را در مقابل بینش انقلابی ، اسلوب درست عمل ، تجارب غنی ، کیفیت و خصوصیات عالی انسانی پیشاهنگان ، و روند رشد پاینده شرایط انقلابی در ایران عاجز و ناتوان می بیند ، طبق ماهیت خود اقدام به قتل اسرای سیاسی می نماید . ولی تاریخ نشان داده که جنایتکاران مرتجع با ارتکاب چنین اعمالی زحمتکشان را مصمتر در مبارزه طبقاتیشان می نمایند .

جنایتکاران دربار که قادر به درک نیروی لایزال خلق و اراده آهنین پیشاهنگان انقلابی نیستند ، می پندارند قادرند با ازبین بردن فیزیکی مبارزین انقلابی ، از زوال خود و از پیروزی انقلاب جلوگیری کنند .

مرتجعین ایران و اربابان امپریالیست آنها غافل از آنند که قبل از شهادت این ۹ نفر ، دهها تن از فرزندان راستین خلق در زیر شکنجه و تحت انواع توطئه ها جان تسلیم کردند ولی تسلیم نشدند .

شاه جنایتکار و رژیم فاشیستی او غافل از آنند که نیروهای انقلابی همگی رزمنده مقاوم و حماسه آفرینند و خلق کبیر ایران فرزندان دلیر و ارزنده بشمارای را بانقلاب تقدیم کرده که عاقبت تمام نیروهای امپریالیست و مرتجعین ایران را سرکوب خواهند ساخت .

ما خاطره این نه رفیق شهید و تمام شهدای انقلابی خلق کبیرمان را گرامی میداریم و با عزمی آهنین و باکینه ای صدچندان راه انقلابی آنان را ادامه خواهیم داد . پیروزباد انقلاب ، سرنگون باد رژیم فاشیستی سلطنتی در ایران .

اخبار ...



صفحه هائی از تظاهرات قم

★ همزمان باشهادت نه نفر از انقلابیون ایران (گروه جزئی ، و دو نفر از مجامدین) ، عده بیشمار دیگری را نیز در ماه آوریل ۷۵ بزیر شکنجه برده بودند . بدنبال شهادت رفقای مزبور قریب پنج هزار نفر در زندانهای شاه دست باعتصاب غذا میزدند و خشم و نفرت نسبت بر رژیم بشدت زندانها را فرا گرفته بود .

در خارج از زندانها نیز انقلابیون و اقشار مختلف مردم انزجار شدید خود را نسبت بقتل زندانیان سیاسی و علیه حزب فاشیستی شاه ایران میدادند . دانشگاههای ایران که از اذر ماه ۱۳۵۳ بحال تعطیل درآمده بودند و برخوردهای مختلفی با مأموران رژیم روی داده بود ، پس از انتشار خیر شهادت رفقا ، موج اعتراض و نفرت سراسر دانشگاهها را فراگرفت و دانشجویران باخشم فوق العاده ای با افراد گارد مسلح دانشگاه و پلیس حمله ور شدند و وسایل تبلیغاتی ارتجاعی را شکستند . علیه رژیم شاه شعار میدادند .

ادامه این تظاهرات در اواسط خرداد ۱۳۵۴ ، بمناسبت سالگرد ۱۵ خرداد در دانشگاههای ایران و در مدرسه فیضیه قم باوج خود رسید و طبق اخباری که بدست ما رسیده شده‌ای در این حوادث کشته شده‌اند و چند صد نفر از دانشجویان ، طلاب علوم دینی قم ، و سایر اقشار مردم دستگیر و بزیر شکنجه برده شده‌اند .

در شهر قم مردم خشمگین شهر تحت رهبری محصلین علوم دینی مدرسه فیضیه درحالیکه چهره های خود را با دستمال سفیدی پوشانده بودند تا از نظر پلیس شناخته نشوند ، باخواندن سرودهای انقلابی و با حمل پرچمهای سرخ ، دو روز تمام کنترل شهر قم را از دست مأموران رژیم خارج کرده بودند . این تظاهرات که بخوبی سازمان یافته بود موجب وحشت رژیم گردید و چون میان مردم بخوبی انعکاس یافته بود ، رژیم مجبور گردید اخبار آنرا مسخ شده انتشار دهد .

بقیه پیروزی انقلاب در ...

و پولادینی بود که از طرفی قادر باشد در مقابل سرسخت ترین دشمن و در برابر مشکلات متعدد مقاومت ورزد . و از طرف دیگر امکان رشد استعداد های انقلابی را در درون حزب و خلق فراهم آورد .

خلق ویتنام با اینکه از رهبران شایسته و قهرمانان انقلابی تشویق و تجلیل بعمل میآورد ، از کیش شخصیت و فردپرستی و خرافات دوری می جستند . سبک کار علمی و مناسبات سالم درون حزبی موجب گردید که پس از مرگ هوشی مین که رهبری بزرگ و بی نظیر ، بنیانگذار حزب ، و شروع کننده انقلاب در هندوچین بود ، باران رزمنده او با وجود فقدان او موفق شدند ، با کار دستجمعی و باتکاء به تشکیلات و خلق خود ، انقلاب را به پیروزی نهائی برسانند . حزب انقلابی ویتنام با شناخت درستی که از تاکتیک ها و استراتژی انقلابی داشت ، برای مقابله با قدرتهای امپریالیستی و پراکنده کردن قدرت تمرکز ارتجاع با توجه به وجه مشترکی که بین خلقهای هندوچین از نظر تاریخی ، اجتماعی و سیاسی وجود دارد ، جنگ انقلابی را از ابتدا بطور منطقه ای طرح ریزی و سازمان دادند . ما هم اکنون ناظر ثمر بخشی چنین مشی انقلابی هستیم که خلقهای هندوچین یکی پس از دیگری از یوغ امپریالیسم رهایی می یابند . رهبران آگاه انقلاب هندوچین با توجه به ماهیت نیروهای دشمن و مواضع دوستان خود که بطور تئوریک و تجربی بدان دست یافته بودند ، مبارزه خود را توده ای ، دراز مدت و با اتکاء بخود پایه گذاری کرده بودند . آنان برای این منظور از تمام تاکتیکها و شیوه های مبارزاتی ، حول محور اصلی نبرد ، یعنی جنگ مسلحانه ، استفاده میکردند و تمام اقشار خلق را باندازه توانائی و استعدادشان بسیج و متشکل ساخته ، در مبارزه شرکت میدادند .

کارها و فعالین انقلابی ویتنام همانگونه که فراگرفته بودند خلق ویتنام و هندوچین را بسیج کرده ، متشکل سازند ، همانطور نیز برای جلب حمایت نیروهای انقلابی و مترقی جهان و بسیج افکار عمومی مردم دنیا کوشش بعمل آوردند و این نقش خود را در سطح جهانی بطرز بی نظیری ایفا نمودند .

حزب کمونیست ویتنام بادرک عمیقی که از وظایف و مسئولیت انقلابی خود داشت ، پس از شکاف در اردوگاه سوسیالیستی ، هیچگاه بطور شتابزده و سطحی به چنین رویدادی برخورد نکردند و مبدل به بلندگویی بی اراده هیچ قدرتی نشدند . حزب و خلق ویتنام ضمن دوستی و جلب حمایت همه کشورهای سوسیالیستی و نیروهای مترقی جهان ، در هر کجا و در هر موردی که سازش و معامله ای بر سر ویتنام در شرف تکوین بود ، با عملیات انقلابی و قاطعانه خود ، تمام توطئه ها را درهم شکستند .

خلق ویتنام ضمن اینکه با عملیات انقلابی و متهورانه خود امپریالیسم را مجبور بقبول مذاکره صلح می نمود ، در عین حال هیچگاه به وعده و وعیدهای ارتجاع دلخوش نسازیدند و سازمانهای انقلابی از هر فرصتی بسرایی سازماندهی و تدارک انقلابی برای نبرد سخت و دشوارتر خود را آماده میکردند . رهبران کارداران و سازمانهای رزمنده ویتنام با اسلوب و تاکتیکهای مناسب در صفوف دشمن تفرقه انداخته ، شرایط را برای وارد کردن ضربات مهلک بر دشمن آماده میکردند .

در تمام دوران جنگ انقلابی ، شجاعت ، فداکاری ، پیگیری و اتحاد عمل خلق کبیر ویتنام الهام بخش تمام جنبش های انقلابی جهان بود .

این بینش و اسلوب کار انقلابی در امر رهبری و سازماندهی و چنین خصلت انقلابی سردم رمسز موفقیت انقلاب در هندوچین بود .

پس از راندن امپریالیسم و سرنگونی رژیم ارتجاعی در ویتنام ، انقلابیون آنرا مرحله تخریب نظام فاسد کهنه

اخبار ...

★ روز ۲۱ خرداد ۵۴ رژیم فاشیستی شاه در جاسواب باعتراف یکپارچه مردم علیه تشکیل مجلس فرمایشی ، دوتن دیگر از فرزندان انقلابی خلق را که مدت یکسال بدون هیچ محاکمهای در زندان زیر شکنجه بسر میبردند ، اعدام کرد .



رفقا شهید حسین سلاخی

رفقا حسین سلاخی ، خسرو ترگل ، اصغر کهوند و رضا سلاخی جزء گروهی بودند که بمبارزه مسلحانه چریکی در خرم آباد ، همدان و تهران پرداخته بودند و پس از انجام چند عمل انقلابی سال قبل دستگیر شده بودند .

تلفی میکنند و برای ایجاد جامعه سوسیالیستی حزب کمونیست ویتنام وظیفه خود را چنین توصیف میکنند .

« ... انقلاب در مناسبات تولیدی ، انقلاب فنی ، انقلاب ایدئولوژیک و فرهنگی سه قسمت ارگانیک انقلاب سوسیالیستی هستند . اینها بهم بافته شده ، بر روی یکدیگر اثر میگذارند و همدیگر را به پیش میرانند . »

« جامعه نوین ، انسان نوین ، مناسبات تولیدی نوین ، نیروهای تولیدی نوین نتیجه فقط یک انقلاب نبوده بلکه محصول مشترک هر سه هستند . »

« ... ساختن سوسیالیسم نه تنها بمعنای ساختن یک اقتصاد جدید و جامعه جدید است بلکه بمعنای ساختن انسان نوین ، انسان سوسیالیست هم میباشد ، انسانهاییکه به ارزشهای حقیقی آراسته شدهاند ، و شرايطی برای آنها بوجود آمده که از همه جوانب تکامل یافته و سازندگان آگاه تاریخ شوند . تغییر موجودیت اجتماعی شرط اساسی برای شکل دادن مجدد آگاهی اجتماعی است . بشر جدید تنها در پروسه ساختمان جامعه نوین ، از طریق فعالیتهای علمی ، از طریق جنبش انقلابی توده ها ، موجودیت می یابد اما تغییر شکل انسان ، شکل یابی مجدد ایدئولوژیک او ، یک پروسه خود بخود نیستند و نمیتوانند باشند . بعلاوه

برای ساختمان سوسیالیسم ، اول از همه باید انسانهای سوسیالیست وجود داشته باشند » ★

★ (نقل از کتاب : انقلاب ویتنام ، مسائل اساسی و تکالیف اصلی - فصل چهارم - نوشته رفیق لودوان) . انقلاب ویتنام و سایر خلقهای رزمنده هندوچین تجربه بزرگی برای خلق تحت ستم و سازمانهای رزمنده ایران میباشد . راهی که ویتنام در پیش گرفت ، راه رهایی خلق ما و راه رهایی بشریت در سراسر جهان میباشد .

رفیق خسرو ترگل با الهام از راه انقلابی رفیق کارگر شهید موشنگ ترگل که از بنیانگذاران گروه آرمان خلق بود بمبارزه رو آورد . هوشنگ ترگل در مهرماه ۱۳۵۰ همراه سایر همزمان خود اعدام شد .

رفیق حسین سلاخی از خانواده ای است که تاکنون سه شهید در راه انقلاب ایران داده است .



رفیق شهید خسرو ترگل

رفقا جواد و کاظم سلاخی از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق بودند که در سال ۱۳۵۰ در راه انقلاب ایران شهادت رسیدند .

ما خاطره این رفقای شهید را گرامی میداریم و راه انقلابی آنان را پیگیرانه تا پیروزی کامل خلق دنبال میکنیم .

★ بامداد روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت يك واحد از سازمان مجاهدین خلق ایران حکم اعدام انقلابی دو مستشار نظامی امریکائی را در خیابان قیصریه در شمال تهران بمرحله اجرا گذارد . رفقای مجاهد با ایجاد يك راه بند مصنوعی اتومبیل حامل دو سرهنت امریکائی باسامی : ترنر و شفر را متوقف کرده از راننده ایرانی اتومبیل خواستند که کف اتومبیل خم شود ، سپس بسا مسلسل دستی دو جاسوس نامبرده را بگلوله بستند . مجاهدین پس از خاتمه عمل و پخش اعلامیه بزبان فارسی و انگلیسی در محل ، سلامت به پایگاه خود بازگشتند . متعاقب این عمل ، سازمان مجاهدین خلق تلفنی با مراکز خبرنگاری بین المللی تماس گرفته و ضمن قبول مسئولیت عمل ، دلایل سیاسی آنرا اعلام داشتند که اعدام ایسن دو مستشار در پاسخ به کشتار وحشیانه و در زیر شکنجه ۹ زندانی سیاسی بیدفاع بوسیله رژیم صورت گرفته است . همچنین بدلائل وابستگی بی قید و شرط رژیم ضد خلقی شاه بامپریالیسم امریکا ، امریکا را مسئول جنایات رژیم شاه معرفی کردند و تهدید کردند که در آینده نیز جواب جنایات رژیم را با چنین اقداماتی پاسخ خواهند گفت .

درود بسه فرزندان دلیر خلق پیروزمند باد راه انقلابی رزمندگان ایران .

★ بمناسبت دهمین سالگرد انقلاب عمان ، تلگرامهای تبریک و همبستگی از طرف سازمانهای : چریکهای فدائی خلق ، مجاهدین خلق ایران و جبهه ملی ایران « بخش خاورمیانه » به جبهه خلق برای آزادی عمان ارسال گردید . همچنین از طرف سازمانهای جبهه ملی ایران در خاور میانه پوستر دیواری بمنظور ابراز همبستگی خلق ایران با انقلاب خلق عمان منتشر و در منطقه توزیع گردید .

== اخبار ==

★ در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۴ رژیم مزدور ایران اعلام کرد که سه نفر « خرابکار » طی یک زد و خورد خیابانی با نیروهای دولت کشته شده‌اند . رژیم این خبر را بدون ذکر تاریخ و محل درگیری بطور مبهم انتشار داده بود تا مردم را گمراه سازد .



رفیق شهید حبیب‌الله مؤمنی



رفیق شهید علی‌اکبر (فریدون) جعفری عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق



رفیق شهید جعفر شجاع ساداتی

گرچه خیر شهادت رفقا علی اکبر (فریدون) جعفری ، سید جعفر شجاع ساداتی و حبیب‌الله مؤمنی صحت دارد معهذاً جریان واقعه بکلی خلاف مطلبی است که رژیم ادعا کرده است . ما مشروح جریان را در شماره‌های آینده باختر امروز منتشر خواهیم ساخت .

★ مادر و خواهر رضائی ما مدتی است که دستگیر و در زیر شکنجه بسر می‌برند . درحالی که فاطمه رضائی (خواهر رضائی‌ها) هشت ماهه حامله بوده در اوایل فروردین ماه به زندان « کمیته » منتقل می‌کنند و در آنجا وضع حمل کرده است .

همچنین رژیم خانواده بسیاری دیگر از مبارزان از جمله مادر حسن و علیرضا کبیری و خانم عفت محمدی (مسر محمد محمدی) را دستگیر کرده و به زیر شکنجه برده است .

★ آخرین خبر در مورد سیمین صالحی حاکی از این است که تمام موهای این مجاهد دلیر را در زیر شکنجه کنده‌اند و از رفقای مجاهد لطف‌الله میثمی و ابراهیم جوهری که هم‌زمان با مجاهد سیمین صالحی دستگیر شده‌اند خبری در دست نیست .

★ فشار رژیم فاشیستی شاه به زندانیان سیاسی و مبارزین خلق در ماههای اخیر و بخصوص پس از تشکیل « حزب رستاخیز ملت ایران » شدت یافته است . از نیمه فروردین بعد تقریباً هیچیک از زندانیان سیاسی را (حتی دانشجویانیکه یکسال محکومیت داشته‌اند و این مدت را گذرانده‌اند) آزاد نکرده‌اند .

بقیه در صفحه ۲

پیروزی انقلاب در هند و چین

راهنمای پیروزی بشریت در جهان است

قول و قرارها و ادامه دوستی با اربابان خود تردید دارند، نبرد دلارانه خلق کبیر ویتنام نه تنها موجب وارد ساختن ضربات کمربشکنی به سیستم جهانی سرمایه‌داری گردید و این جوامع را مواجه با بحرانهای اقتصادی - سیاسی اجتماعی نمود ، بلکه موجب بیداری هر چه بیشتر خلقهای تحت ستم جهان و زحمتکشان جوامع سرمایه داری گردید .

بینیم رمز این موفقیت‌های جهانی خلق ویتنام در چه بود ؟

نگاهی بتاریخ مبارزات خلق ویتنام و بررسی ماهیت واسلوب کار آنان بما نشان میدهد که این خلق دارای رهبری سیاسی - نظامی درستی بوده است که از پیش علمی و از اسلوب کار دستجمعی پیروی میکرده و قادر بوده است خلق را در شرایط مختلف ، برای رسیدن به هدفهای کوتاه مدت و دراز مدت بخوبی رهبری و سازماندهی کند .

رهبران خلق ویتنام و در رأس آن انقلابی کبیر ، رفیق هوشی مین ، برای مقابله با تجاوزات امپریالیسم و مبارزه با ارتجاع داخلی ، آن چنان سازمان سیاسی - نظامی انقلابی بنیان گذاشتند که اعضاء آن مجهز بسلاح تئوریک مارکسیسم - لنینیسم بودند و این دانش علمی را آنچنان فراگرفتند که بدون هیچ دگمی ، باشرایط خاص جامعه و منطقه خود منطبق سازند .

آنان فراگرفته بودند که به تئوری زحمتکشان وتاریخشان جامعه تکیه کنند و دشمنان اصلی و فرعی خود را در هر مرحله از انقلاب ، بخوبی تمیز داده ، خط فاصل بین دوستان و دشمنان خود را بدرستی ترسیم کنند .

رهبری و خلق ویتنام متکی به چنان حزب انقلابی

بقیه در صفحه ۳

خلقهای رزمنده ویتنام و کامبوج پس از سالها نبرد قهرمانانه با وارد ساختن آخرین ضربات کوبنده بسر پیکر امپریالیسم جهانی و ارتجاع محلی ، بالاخره پیروزی نهائی انقلاب را در آوریل ۱۹۷۵ اعلام داشتند و باین ترتیب بزرگترین هدیه را برای کارگران جهان بمناسبت جشن اول ماه مه به ارمان آورند .

در مورد هدفهای جنگ آزادیبخش خلقهای هندوچین و خصلت جنگ تجارزکارانه امپریالیستها کتابها نوشته شده است ، ولی آنچه را که ما میخواهیم بان تکیه کنیم اینست: جنایاتی که امپریالیسم امریکا در هندوچین مرتکب گردید نه تنها خصلت يك جنگ تجاوز کارانه را داشت ، بلکه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا ، تمام تکنیک و همه قدرت مالی و ماشینی جنگی اش را برای نابودی بشریت بکار بسته بود . در مقابل ، حماسه‌ای کسه خلقهای هندوچین - و در پیشاپیش آنها خلق کبیر ویتنام - علیه جنایت ، جهالت و جنون سرمایه‌داری جهانی افروید . تأثیراتش تنها در چارچوب خیزش میهنی و منطقه‌ای محدود نشد ، بلکه جنگ آزاد بیخش خلقهای هندوچین و در پیشاپیش آن نبرد انقلابی ویتنام به سرنوشت بشریت در سراسر جهان ارتباط پیدا کرد .

محنه‌های مختلف جنگ آزادیبخش در هندوچین بیانگر بینش و اسلوب کاری بود که همچون مشعل فروزانی راه رهائی خلقها و راه پیروزی سوسیالیسم بر کاپیتالیسم را با وجود تمام دشواریها و توطئه های دشمن ، به خلقهای سراسر گیتی نشان میداد .

خلق کبیر ویتنام در طول تاریخ خود موفق شد سه نیروی بزرگ امپریالیستی مثل ژاپن ، فرانسه و ایالات متحده امریکا را ، یکی بعد از دیگری آنچنان از پیای در آورد که نه تنها این نیروها راه بازگشت مجدد به هندوچین را نداشته باشند ، بلکه آنچنان آنانرا در سطح جهانی مفتضح نمود و قدر قدرتی آنان در هم شکسته شد که مزدوران و رژیمهای سرسپرده باامپریالیسم دیگر به

ظفرمند باد جنگ عادلانه خلق